احتمال پررنگ کردن فطحیه برای انحراف اذهان دشمنان

وقتی مجموع اینها را در نظر می‌گیریم می‌فهمیم که می‌شود در همان زمان کسانی با این تشتت و تفرق و باز کردن فضایی که هر کسی چیزی بگوید، ذهن اینها را متشتت می‌کردند. پخش می‌کردند. این یک چیز دوری نیست.

شاگرد: هزینه آن خیلی بالا است. یعنی یک انحراف عقیدتی گستردهای پیش می‌آید.

استاد: نه. وقتی انس گرفتید می‌بینید اصلاً این جور نیست. یعنی زدن کسانی که شیعه بودند مطلب کالشمس بود. اصلاً مبهم نبود. ببینید نوه زراره چه می‌گوید. می‌گوید جدش متحیر بود ای نه. ظاهر امر این است که می‌گوید البشاره. کسی هم که معروف بود، نگفت. یعنی برای خودشان واضح بود که مطلب چیست. خود حضرت شاه عبدالعظیم حسنی سلام الله علیه می‌گویند: من تعجب می‌کنم! یعنی فضا این جور فضا است. درکامل الدین صدوق هست. حضرت شاه عبدالعظیم می‌گویند من تعجب می‌کنم از محمد بن جعفر بن صادق علیه‌السلام! محمد بن جعفر عموی بزرگ حضرت امام رضا علیه‌السلام است که در تشیع حضرت امام رضا در کنار ماموون حضور داشت. محمد بن جعفر در مکه خروج کرد و دم و دستگاه خلافت به پا کرد. خب ماموون لشگر فرستاد و شکست خوردند. ایشان را گرفتند ولی چون بزرگ بنی هاشم بود، پسر امام صادق بود، لذا ماموون بی احترامی نکرد و ایشان را به خراسان آورد. لذا محمد بن جعفر آن جا بود. جریانات خیلی جالبی هم با امام رضا دارند. در عیون الاخبار هست. حضرت گفتند سقف روی ما سایه ننداز.

محمد بن جعفر چه کار کرد؟ حضرت شاه عبدالعظیم می‌گویند من از محمد بن جعفر تعجب می‌کنم؛ پسرش از پدرش برای من اسماء خلفای اثنی عشر را تا امام دوازده از پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل کرده است. خودش که این را روایت کرده، در مکه خروج کرده و گفته من امام هستم. حضرت شاه عبد العظیم می‌گویند «اتعجب». ایشان خودشان حسنی هستند. محمد بن جعفر حسینی بوده‌اند. می‌گویند من تعجب می‌کنم، خود شما این روایت را نقل کرده‌اید. چرا این را می‌گویم؟ چون این قدر واضح بود؛ نقل های ائمه اثنی عشر در افواه بود. مشکلی نداشتند.

شاگرد: چطور این قدر واضح بوده ولی تقیه از کارکردش نمی افتاده؟ بالاخره یکجا باید لو برود و این حفاظت اطلاعاتی خراب بشود

شاگرد۲: لازم دیگری هم دارد که بنی فضل دلسوزتر از ائمه بعدی و اصحاب خاصشان باشند. یعنی این دلسوزی برای مکتب که تقیه را این قدر جدی بگیرند، گویا از خود ائمه و اصحاب خاصشان بیشتر شده است.

استاد: شما نگاه کنید، می‌گویند خود حسن از اصحاب خاص امام رضا علیه‌السلام است. این یعنی چه؟ یعنی دیگران؟!

شاگرد۲: اما احمد و محمد و علی نبوده اند.

استاد: بله، بوده‌اند. خود علی که این قدر از او تجلیل می‌کنند از اصحاب خاص امام هادی و امام عسکری بوده است. این یعنی چه؟ چطور از اصحاب خاص است، اما از این طرف بگویی‌م فطحی؟!

خود احمد را هم می‌خواستم بگویم ظاهر انکارش را نبینید. ما نمی‌دانی‌م شرائط چه بوده است. این‌که گفت پدر من این‌طور نیست، اگر قبول می‌کرد، یک ساختار اجتماعی که شکل گرفته بود می‌شکست. احمد می‌فهمید که نباید اقرار کند پدر من این کار را کرد. اگر بیشتر تفحص کنید، از قرائن و شواهد می‌توانید این ساختارهای اجتماعی را نشان بدهید.

شاگرد: طبق ذهنیت شما که در آن زمان رأی به‌معنای فتوا وجود داشته، احتمال می‌دهید با وجود تمام فضای تقیه که فرمودید، شیعه از آن‌ها که فطحی بودن تقلید کند؟

استاد: ببینید همین فرمایش ایشان مویّد این طول و تفصیل من می‌شود یا نه؟ وقتی یک امر اجتماعی پیش آمد که در بدنه عوام موج ایجاد کرد، گفتند «ذروا ما رأوا». قبلش چرا در فکر نبودند؟ چرا «رأوا» هم بود؟ روی این احتمال که به‌معنای فتوا باشد. چرا «رأوا» بود و حرفی از آن نبود که این‌ها اعتبار ندارد؟

شاگرد۲: چون تقیه را می‌فهمیدند.

استاد: احسنت. یعنی خود این شاهد این است که «بیوتنا ملأ» و مشکلی هم نداشتند. چون می‌دانستند که این‌ها از اصحاب خاص ائمه بودند. بعد یک واقعه اجتماعی پیش آمد، الآن آثار داشت. حال که آثار داشت، بهترین راه این‌که این را ضربه گیری کنند تا به بدنه عموم شیعه صدمه‌ای نخورد، این بود که بگویند فتوای این‌ها کنار برود و دیگر به فتوای این‌ها عمل نکنید. چون الآن صدایش درآمد که این‌ها به این صورت هستند. حال کاری ندارم که آیا ظاهر و باطل تفاوت داشت. فعلاً این جور شد و این موج افتاد که این‌ها به این صورت هستند. پس اعتبار و حجیت فتوایشان به‌عنوان مقلّد کنار می‌رود.

بازبینی #3
ایجاد شده 1 ژانویه 2026 13:50:14 توسط ... .
به روزرسانی شده 4 مارس 2026 16:03:27 توسط ... .